

جایگاه قانونی، بنیاد و ساختار اداره حقوقی قوه قضائیه

مهران زالی پور مداب^۱

چکیده

اهمیت و ضرورت پژوهش درباره جایگاه اداره حقوقی قوه قضائیه در تعیین مجازات، ناشی از جایگاه اداره حقوقی به عنوان یک منبع ارشادی در دسترس قضات در شرایط وضع قانون‌های آزمایشی و مبهم است. از آنجایی که نظریه‌های مشورتی یا همان پاسخ به استعلامات، طی روندی قانون‌مند و توسط قضات مجرب و دارای سوابق طولانی قضایی انجام می‌شود، در بین قضات محاکم و دادسراها جایگاه ویژه‌ای دارد و همچنین با توجه به اینکه بسیاری از قضات در سال‌های ابتدایی پس از استخدام هستند و هنوز به اندازه کافی تجربه کار قضایی ندارند، از نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه به خوبی استقبال می‌کنند و آن‌ها را در رویه عملی به کار می‌گیرند. این در حالی است که نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به دلیل احترام به اصل حفظ استقلال قضات لازم‌الاتباع به شمار نمی‌روند؛ به علاوه شأن و وظیفه اداره حقوقی بر طرف کردن مشکلات مربوط به تصمیم‌گیری قضایی به طور موردی نیست و این نوع نگرش به جایگاه اداره حقوقی، سبب تزلزل جایگاه این نهاد خواهد شد. در هر حال به هر میزان که تعداد استعلام‌ها بیشتر باشد، عمل به نظریه‌های اداره حقوقی نیز بیشتر است؛ از طرفی با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بیشترین تحولات در زمینه مجازات و تعیین مجازات ایجاد گردیده و این تغییر عملاً مراجعه به منابع دانشگاهی مرتبط با تعیین قضایی کیفر را کم‌رنگ کرده و متعاقباً در این زمینه مراجعه به نظریه‌های ارشادی اداره حقوقی و استعلام از اداره حقوقی برای حل چالش‌ها و ابهامات قانونی پررنگ‌تر شده است.

واژگان کلیدی: اداره حقوقی قوه قضائیه، تعیین مجازات، تفسیر قضایی، منبع مشورتی،

یکپارچگی قضایی

مقدمه

ساختار نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، به اعتبار ابتدای آن بر شرع مقدس اسلام، ساختاری است پویا، مستقل و در راستای صیانت حداکثری از حقوق عامه که تحقق آن در گرو اقتدار قضایی و تعامل سازنده قوا و همکاری فربخشی آن‌ها است. در این مقام ارزش عملکرد قضات اداره حقوقی که یکی از ارکان اصلی قوه قضائیه را تشکیل می‌دهند و تصمیماتشان تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های قانونی است آشکار است. ارسطو می‌گوید: «همه امور به وسیله قانون منظم نمی‌گردد، چون وضع قانون درباره بعضی امور ممکن نیست. در این گونه موارد به تصمیم‌های خاصی احتیاج است؛ زیرا در مورد امور نامعین قاعده نیز نامعین است» (ارسطو، ۱۳۸۵: ۲۰۰). اداره حقوقی در کنار قوانین ناکارآمد (به گونه‌ای که در حال حاضر در نظام حقوق کیفری ما نزدیک به دو هزار عنوان مجرمانه وجود دارد) به انبوهی از سؤالات و ابهامات قانونی پاسخ می‌دهد. برای دستیابی به صلابت بیشتر این نهاد باید چالش‌های فراروی آن را شناخت و با پژوهش و تحقیق و نگاه کارشناسی، راه برون‌رفت از آن‌ها را یافت. سؤال قابل طرح در راستای این پژوهش این است که عملکرد اداره حقوقی در تعیین مجازات با توجه به سکوت و ابهامات قانونی چیست؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان این فرضیه را مطرح نمود که اداره حقوقی صرفاً در موارد سکوت و ابهامات قانونی رهنمودهایی را برای تعیین مجازات ارائه می‌نماید. پژوهش حاضر در قالب روش توصیفی-تحلیلی درباره جایگاه قانونی، بنیاد و ساختار اداره حقوقی قوه قضائیه صورت گرفته است. در این روش، علاوه بر توصیف عینی و واقعی خصوصیات یک موضوع و بیان اطلاعاتی راجع به آن، به منظور بهبود شرایط کنونی و در راستای ارائه راهکارها و الگوهای پیشنهادی در زمینه مورد بحث، تلاش می‌گردد. به منظور گردآوری اطلاعات در این پژوهش، از منابع موجود در کتابخانه اعم از کتاب، مقاله، پایان‌نامه و منابع اینترنتی استفاده شده است. همچنین به منظور آشنایی با عملکرد اداره حقوقی و فقدان منابع در این زمینه و در دسترس نبودن نظریات اداره حقوقی در زمینه تعیین مجازات، پژوهش بعد میدانی نیز به خود می‌گیرد. پژوهش حاضر به عنوان جایگاه قانونی اداره حقوقی، در سه محث به پیشینه قانونی اداره حقوقی، بنیاد این نهاد و در نهایت ساختار آن می‌پردازد. در محث نخست که شامل دو بند است، جایگاه اداره حقوقی در دوره پهلوی و بعد از انقلاب بیان می‌گردد. به منظور شناخت پیشینه اداره حقوقی و اینکه این نهاد به موجب چه قانونی و با چه وظایفی شروع به کار کرده اشاره به پیشینه قانونی این نهاد ضروری به نظر می‌رسید. محث دوم با عنوان بنیاد اداره حقوقی قوه قضائیه در سه بند به بیان ماهیت صدور نظریه‌های مشورتی، مفهوم تفسیر و انواع تفسیر می‌پردازد. در این محث به شناخت «اداره» حقوقی قوه قضائیه از حیث قضایی یا اداری محسوب شدن عملکرد این اداره، پرداخته شده است. همچنین به دلیل تمایز تفسیر اداره حقوقی با تفسیر قانونی در بند ب مفهوم تفسیر و در بند ج انواع تفسیر بیان شده است. ساختار اداره حقوقی قوه قضائیه موضوع محث سوم را تشکیل می‌دهد که در ادامه آن سه بند واحدهای اداره حقوقی، کمیسیون‌های اداره حقوقی و

استعلامات حقوقی، تشریح می گردد. در این قسمت سعی بر آن بوده ذهن مخاطب با کمیسیون‌ها و شیوه پاسخ‌دهی به استعلامات حقوقی آشنا گردد.

۱- پیشینه قانونی اداره حقوقی

وزارت عدلیه نخستین وزارتخانه‌ای بود که بعد از مشروطه، قانونی درمورد سازمان و تشکیلات آن وضع شد. لیکن این قانون که با عنوان «قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه» در سال ۱۳۲۹ ه.ق به تصویب رسید، تنها ناظر به تشکیلات قضایی عدلیه بود و درباره تشکیلات اداری وزارت عدلیه مطلقاً اشاره‌ای نشده بود، به همین دلیل این نکته به نظر می‌رسد که تشکیلات عدلیه مرادف با تشکیلات قضایی بوده است. با روی کار آمدن رضاخان و به دنبال تجدید سازمان و تشکیلات اداری کشور در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۰۵، طرحی به تصویب رسید^۱ که به موجب آن دولت موظف شد ظرف سه ماه لایحه قانونی تشکیلات وزارتخانه‌ها را تقدیم مجلس کند. شاید در اثر این تکلیف قانونی بوده که در قانون جدید، هر چند به صورت فشرده و در قالب یک ماده قانونی، تشکیلات اداری وزارت عدلیه مورد توجه قرار گرفت. در نتیجه در قانون اصول تشکیلات عدلیه، مصوب تیر ماه ۱۳۰۷ که مکمل قانون سابق بود، تشکیلات دادگستری منحصر به تشکیلات قضایی نشد و دربرگیرنده تشکیلات قضایی و اداری تلقی شد. ماده اول این قانون که هسته قانونی تشکیلات اداری دادگستری را تشکیل می‌داد، سازمان اداری وزارت دادگستری را چنین تبیین کرده بود:^۲ «اداره وزارت عدلیه از قرار زیر است: ۱- اداره کابینه و ضبط کل ۲- اداره پرسنلی و تفتیش اداری ۳- اداره محاسبات ۴- اداره تهیه لوایح قانونی و ترجمه و احصاییه ۵- اداره ثبت اسناد و املاک»^۳. این ماده طبق قانون اصلاحی قانون اصول تشکیلات عدلیه (مصوب دی ماه ۱۳۱۵) نسخ شد و به جای آن چهارده ماده اول این قانون وضع شد (زرنگ)، (۱۳۱۷:۳۱۷).

الف - جایگاه اداره حقوقی در دوره پهلوی

قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه و استخدام قضات (مصوب کمیسیون قوانین عدلیه ششم دی ماه ۱۳۱۵) تشکیلات اداری وزارت دادگستری را با تفصیل بیشتری بیان کرد. به موجب ماده اول این قانون، تشکیلات مرکزی وزارت عدلیه به سه اداره کل تقسیم شد: ۱- اداره کل امور قضایی؛ ۲- اداره کل امور اداری؛ ۳- اداره کل ثبت اسناد و املاک. هر یک از این ادارات خود مشتمل بر چند اداره می‌شد که هر یک وظایف مخصوص به خود را بر عهده داشتند.

اداره حقوقی شامل سه قسمت بود:

۱- مذاکرات مجلس، دوره ششم تقنینیه، جلد اول، صص ۹۷۷-۲۸۸

۲- مجموعه قوانین سال ۱۳۱۵، انتشارات روزنامه رسمی، صص ۲۱ به بعد، مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره دهم قانون گذاری، چاپ اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس، ۱۳۷۷، صص ۹۸ به بعد

۳- مجموعه قوانین و مصوبات دوره ششم تقنینیه، چاپخانه مجلس، ص ۱۳۹

قسمت اول: امور بین الملل (استرداد^۱، تعاون قضایی بین المللی^۲، قراردادهای قضایی و مانند این‌ها) و جمع آوری قوانین خارجی؛
 قسمت دوم: مشاوره حقوقی، رسیدگی به تقاضای عفو و تخفیف، اجرا مجازات؛
 قسمت سوم: دبیرخانه کمیسیون‌های تهیه قوانین (کمیسیون ثابت قوانین حقوقی، کمیسیون ثابت قوانین جزایی، کمیسیون اتفافی)

رسالت اصلی اداره حقوقی بررسی و اعلام نظریه مشورتی درباره سؤالات و استعلامات مراجع قضایی و اداری دادگستری بود که در هر مورد پس از بررسی موضوع به وسیله اعضا یا گروه‌های تخصصی آن اداره و کسب نظر مدیر کل قضایی دادگستری، سؤال را پاسخ می‌داد. علاوه بر این رسالت از جمله وظایفی که به موجب قانون مذکور بر عهده اداره حقوقی گذاشته شده بود، امور بین الملل و جمع آوری قوانین خارجی بود. بر این اساس ضروری بود، اداره حقوقی دادگستری سریعاً در جریان بازداشت خارجیانی که در مراجع قضایی کشور، تحت تعقیب و بازداشت درمی آمدند قرار گیرد، بنابراین مراجع قضایی به موجب نامه‌ای مشخصات و نوع اتهام تبعه خارجی را به اداره حقوقی دادگستری اطلاع می‌دادند تا ضمن اقدامات قانونی، در مواردی که وزارت امور خارجه و نمایندگی‌های سیاسی کشورهای خارجی مجاز به اطلاع از وضعیت خارجیان بازداشتی بودند، اطلاع لازم به آنان اعلام شود، این امر توسط کمیسیون‌های مشورتی که در اداره حقوقی تشکیل شده بود انجام می‌شد. این رسالت در اصلاحات بعدی همچنان پایدار ماند ولی رسیدگی به تقاضای عفو و تخفیف و همچنین اجرای مجازات که در این قانون به عهده اداره حقوقی گذاشته شده بود، در اصلاحات بعدی حذف شد و معلوم نبود که تعبیر اجرای مجازات به چه دلیل مقرر شده، ولی احتمالاً نسبت به مجازات نظارت داشته و مشورت می‌داده است.

اداره فنی دارای سه قسمت خواهد بود: ۱- مطبوعات (مجله رسمی - نشریات حقوقی)؛ ۲- ترجمه و کتابخانه، تنظیم امور مترجمین و سایر اهل خبره و مصدقین؛ ۳- آمار امور قضایی و سجل جزایی. سازمان اداری وزارت دادگستری که به موجب قوانین اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۱۵ شامل چند اداره کل و دفاتر وزارتی می‌شد، در دوره مصدق به موجب لایحه قانونی آبان ۱۳۳۱ دستخوش تغییراتی شد؛ و تشکیلات ستادی وزارت دادگستری به موجب

۱ - در ایران اولین قراردادی که در زمینه استرداد مجرمین منعقد شده است، قرارداد سال ۱۳۰۷ با دولت افغانستان است و پس از آن قراردادهایی در همین زمینه با ترکیه، پاکستان و فرانسه منعقد شد. سرانجام در سال ۱۳۳۹ قانون استرداد مجرمین ایران در ۲۶ ماده و یک تبصره به تصویب رسید.

۲ - قانون تعاون قضایی مشتمل بر یک ماده در تاریخ بیست و چهارم تیرماه یک هزار و سیصد و نه شمسی به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسید. ماده واحده - محاکم عدلیه و مستنطقین ایران می‌توانند تقاضایی را که از طرف محاکم و یا مستنطقین ممالک خارجه راجع به استماع شهادت شهود و یا تحقیقات دیگر از این قبیل از آن‌ها می‌شود انجام دهند مشروط بر اینکه محاکم و مستنطقین مملکتی نیز که این تحقیقات را تقاضا می‌نمایند نظیر این تقاضا را از طرف محاکم و مستنطقین ایران بپذیرند.

مواد ۱ تا ۱۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۱۴ تبیین شد.^۱

به موجب ماده یکم این قانون، سازمان وزارت دادگستری به چهار اداره کل تقسیم شد: ۱- اداره کل امور اداری؛ ۲- اداره کل امور قضایی؛ ۳- اداره کل بازرسی کشور؛ ۴- اداره کل ثبت اسناد و املاک. اداره کل امور قضایی تحت نظر مدیر کل امور قضایی و مرکب از سه اداره به شرح ۱- اداره حقوقی، ۲- اداره فنی، ۳- اداره آمار و رویه قضایی می باشد.

وظایف اداره حقوقی به شرح زیر است:

اول- اظهار نظر در مورد استعلامات قضایی؛

دوم- امور قضایی و بین المللی (استرداد، تعاون قضایی، قراردادهای قضایی، جمع آوری قوانین و مقایسه ترجمه و نشر آنها، تهیه طرح های قانونی)؛

سوم- تنظیم امور دفتر و بایگانی.

همان گونه که در گفتار قبل بیان شد اظهار نظر در مورد استعلامات قضایی و پاسخگویی به سؤالات قضایی در قالب نظریات مشورتی مهم ترین رسالت اداره حقوقی بوده که همچنان در دوره های بعدی قانون گذاری برای اداره حقوقی پایدار ماند. اداره حقوقی با انجام این رسالت علاوه بر اینکه نقش مهمی در شفاف سازی قوانین داشته، سبب رویه عملی واحد در محاکم و دادرها هنگام اتخاذ تصمیم در موضوعات مشابه و یکسان می گردید. در راستای انجام این رسالت و رسالت های دیگری که به موجب قانون اصول تشکیلات دادگستری به عهده اداره حقوقی محول شده بود، در معیت اداره حقوقی یازده کمیسیون مرکب از سه تا پنج نفر عضو تشکیل شد.^۲ اعضای کمیسیون ها را وزیر دادگستری از بین قضات انتخاب می کرد و مسئولیت اداره کمیسیون ها به رئیس اداره حقوقی محول شده بود.^۳

وظایف کمیسیون های مشورتی از قرار زیر بود:

الف- تنقیح قوانین و تعیین و اعلام قوانین منسوخ و معتبر و جمع آوری آنها به ترتیب علمی و

بررسی قوانین معتبر و تطبیق آنها با اصول تشکیلات مصوب مجلس شورای ملی در بهمن ۱۳۴۱؛

ب- اظهار نظر در استعلامات و قراردادهای قضایی و امور مربوط به استرداد و تعاون قضایی که از

طرف اداره حقوقی به آنها ارجاع می شود؛

۱- مجموعه قوانین سال ۱۳۳۳، انتشارات روزنامه رسمی، ص ۱۹۴-۱۹۱

۲- ماده (۲) آیین نامه تشکیل کمیسیون های مشورتی؛ کمیسیون های مشورتی به قرار زیر است: الف- کمیسیون حقوق مدنی، ب- کمیسیون آیین دادرسی مدنی، ج- کمیسیون جزای عمومی، د- کمیسیون جزای اختصاصی، و- کمیسیون آیین دادرسی کیفری، ه- کمیسیون حقوق تجارت، ز- کمیسیون حقوق بین الملل عمومی، ح- کمیسیون حقوق بین الملل خصوصی، ط- کمیسیون امور اداری و مالی و اقتصادی، ی- کمیسیون قوانین ثبت، ک- کمیسیون تعیین اصطلاحات و لغات قضایی

۳- ماده (۱۳) آیین نامه تشکیل کمیسیون های مشورتی اداره حقوقی سال ۱۳۴۲

ج- مطالعه مداوم آرا و طرز دادرسی محاکم و پیش‌بینی و پیشنهاد تدابیر مقتضی به‌منظور جلوگیری از تضییع حق و تفسیر غلط قوانین؛

د- بررسی مداوم قوانین خارجی و جمع‌آوری و ترجمه و مقایسه و اظهارنظر در آن‌ها؛

ه- تهیه و پیشنهاد طرح‌های لازم قانونی؛

و- اظهارنظر در طرح‌هایی که برای امعان‌نظر به آن‌ها ارجاع می‌گردد؛

ز- رسیدگی و اظهارنظر نسبت به دروسی که برای دوره کارآموزی تهیه می‌شود^۱.

درمورد وظایف فوق‌الذکر، هر یک از کمیسیون‌ها به امور مربوط به خود رسیدگی و اظهارنظر می‌کردند.

وظایف اداره فنی رسیدگی به امور زیر است:

۱- امور مترجمین و کارشناسان؛ ۲- امور کتابخانه و نشریات؛ ۳- عفو و بخشودگی؛ ۴- تنظیم امور دفتر و بایگانی.

وظایف اداره آمار و رویه قضایی به‌شرح زیر است:

۱- جمع‌آوری آمار و سجل کیفری؛ ۲- تدوین رویه قضایی؛ ۳- تنظیم امور دفتر و بایگانی.

دیگر ادارات مذکور در این قانون دارای وظایف و تشکیلات خاصی بوده است که تشریح وظایف و تشکیلات آن‌ها در ظرفیت این تحقیق نمی‌گنجد^۲.

لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب اسفند ۱۳۳۳ به‌رغم اینکه به‌موجب لایحه قانونی شهریور ۱۳۳۵ دستخوش تغییرات کلی شد ولی مواد ۱ تا ۱۵ آن در قانون اخیر عیناً بقا گردید، در نتیجه تشکیلات ستادی وزارت دادگستری بعد از سال ۱۳۳۵ همان سازمانی بود که به‌موجب مواد ۱ الی ۱۵ قانون سال ۱۳۳۱ مقرر شده بود.

در طول سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۵ تشکیلات اداری وزارت دادگستری به‌صورت پراکنده گسترش یافت؛ به‌این ترتیب که گاهی دفتر یا اداره‌ای جدید تشکیل می‌شد تا اینکه در سال ۱۳۴۵ به‌منظور سامان دادن به تشکیلات اداری و حوزه ستادی وزارتخانه‌ها، تبصره ۳ ماده ۸ قانون استخدام کشوری مقرر داشت: «وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول این قانون مکلف‌اند ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون، سازمان تفصیلی خود را با تعداد پست‌های ثابت سازمانی واحدهای تبعه خود تهیه و به سازمان امور اداری و استخدامی تسلیم کنند...»

به‌دنبال تصویب قانون مزبور، تشکیلات اداری وزارت دادگستری نیز تغییر یافت و اداره حقوقی که از این تغییرات بی‌بهره نبود در قانون اصول تشکیلات عدلیه سازمان و وظایف واحدهای اداری وزارت دادگستری مصوب بهمن ۱۳۴۵ شورای اداری با وظایف بیشتری مواجه شد. از جمله اظهارنظر

۱- ماده (۴) آیین‌نامه کمیسیون‌های مشورتی اداره حقوقی سال ۱۳۴۲

۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مجموعه قوانین سال ۱۳۳۳

درمورد استعلاماتی که از طرف مراجع بررسی رسمی به عمل می‌آید، انجام امور قضایی بین‌المللی (استرداد، تعاون قضایی، تنظیم قراردادهای قضایی و مکاتبات راجع به سایر امور بین‌المللی)، تنظیم رویه‌های قضایی و انتشار آن‌ها و دفاع از دعوی علیه وزارت دادگستری.

به منظور انجام وظایف مقرر شده در این قانون و همچنین انجام اموری که وزارت دادگستری ارجاع می‌نمود، آیین‌نامه کمیسیون‌های مشورتی در معیت اداره حقوقی تدوین شد. تعداد کمیسیون‌های پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه، همانند کمیسیون‌های پیشین اداره حقوقی ۱۱ کمیسیون بود که اعضای این کمیسیون‌ها توسط وزیر دادگستری از میان قضات حائز شرایط انتخاب می‌شد.

با توجه به تغییرات اعمال شده در قانون تشکیلات عدلیه و اضافه شدن رسالت‌های دیگر برای اداره حقوقی، (علاوه بر وظایف مقرر شده برای کمیسیون‌های مشورتی در آیین‌نامه پیشین) وظایف دیگری به موجب این آیین‌نامه (آیین‌نامه کمیسیون‌های مشورتی اداره حقوقی سال ۱۳۴۷) به کمیسیون‌های مشورتی اداره حقوقی محول گردید.^۱ از جمله این وظایف اظهار نظر نسبت به استعلامات قضایی بود که از طرف قضات و مراجع رسمی به اداره حقوقی محول می‌شد. این رسالت از ابتدای تشکیل اداره حقوقی تاکنون به عنوان مهم‌ترین رسالت این نهاد شناخته می‌شود تا جایی که خیلی از حقوقدانان و قضات و سایر افراد آشنا با اداره حقوقی، این نهاد را با این وظیفه می‌شناسند. اداره حقوقی این رسالت را از طریق کمیسیون‌های پیش‌بینی شده در آیین‌نامه کمیسیون‌های مشورتی انجام می‌داد. به عنوان مثال، کمیسیون حقوق جزای عمومی که از ۳ تا ۵ عضو تشکیل می‌شد به سؤالات و استعلامات مطرح شده در این زمینه پاسخ می‌داد (البته اعضای کمیسیون‌ها می‌توانستند از معاضدت یکدیگر برخوردار شوند). اعضای کمیسیون‌های مشورتی چنانچه در راستای بررسی استعلامات قضایی یا مطالعه آرای محاکم یا به هر طریق دیگر به ابهام و یا اجمال قوانین برخورد می‌نمودند و یا از تفسیر غلط قوانین که موجب تضییع حق و یا کندی دادرسی می‌گردید باخبر می‌شدند مکلف بودند نظر خود را مستدلاً و با پیشنهاد اصلاحی به اداره حقوقی اعلام نمایند تا برای اقدام مقتضی تسلیم وزارت دادگستری گردد.

انجام امور قضایی بین‌المللی همانند قوانین سابق تشکیلات، در این قانون برای اداره حقوقی نیز پیش‌بینی شد. اداره حقوقی علاوه بر امور مربوط به استرداد، تعاون قضایی، تنظیم قراردادهای قضایی و مکاتبات راجع به سایر امور بین‌الملل که بر عهده داشت (درمورد این وظایف در بند اول توضیح داده

۱- ماده ۶ وظایف کمیسیون‌های مشورتی عبارت‌اند از: الف- تنقیح مستمر و مداوم قوانین و تعیین و اعلام قوانین منسوخ و معتبر و جمع‌آوری آن‌ها به ترتیب علمی (کدیفیکاسیون) ب- اظهار نظر نسبت به استعلامات قضایی و قراردادهای قضایی و امور مربوط به استرداد و تعاون قضایی که ارجاع می‌گردد. پ- مطالعه آرای دیوان عالی کشور و هیئت عمومی و طرز دادرسی محاکم و نحوه استنباط از قوانین و پیشنهاد تدابیر لازم برای تسریع دادرسی و جلوگیری از تضییع حق و تفسیر غلط قوانین با همکاری قسمت رویه قضایی اداره حقوقی. ت- بررسی قوانین خارجی و جمع‌آوری و ترجمه و مقایسه و اظهار نظر در هر مورد که از کمیسیون‌ها خواسته می‌شود. ث- تهیه و تنظیم طرح‌های قانونی در هر مورد که وزارت دادگستری مقتضی بداند و بررسی و اظهار نظر نسبت به طرح‌هایی که به کمیسیون‌ها فرستاده می‌شود. ج- انجام سایر امور تحقیقی که وزارت دادگستری مقتضی بداند.

شد، در مورد بررسی قوانین خارجی و مقایسه آن‌ها با قوانین ایران هر گاه کمیسیون‌ها به قانون خارجی مفیدی برخورد می‌کردند، گزارش برای تهیه طرح قانونی به اداره حقوقی می‌فرستادند.^۱ در این قانون وظیفه دفاع از دعوی علیه وزارت دادگستری و تنظیم لوایح قضایی که در قوانین سابق پیش‌بینی نشده بود بر وظایف اداره حقوقی افزوده شد. در مورد این وظایف اداره حقوقی در مباحث آتی به تفصیل سخن خواهیم گفت.

ب - جایگاه اداره حقوقی بعد از انقلاب

پس از تصویب قانون اساسی و تشکیل شورای عالی قضایی به دلیل رویه پیش از انقلاب، گمان می‌رفت بسیاری از امور اداری قوه قضائیه از جمله امور مربوط به اداره کل امور قضایی که اداره حقوقی زیر مجموعه آن به‌شمار می‌رفت، در صلاحیت وزیر دادگستری قرار گیرد. از آنجایی که قانون اساسی نیز بر این امر در اصل یک‌صد و شصت صراحت نداشت، همین امر سبب اختلاف میان رئیس‌جمهور، دولت و شورای عالی قضایی گردید و هم‌زمان با بالا گرفتن اختلاف، شورای عالی قضایی طی نامه‌ای از شورای نگهبان در این زمینه نظر خواهی کرد.^۲

شورای عالی قضایی بنا به استدلال‌هایی که در همین استعلام ذکر کرده بود، مسئولیت امر را بر عهده خود می‌دانست تا اینکه شورای نگهبان نیز در پاسخ به استعلام شورای عالی قضایی مسئولیت‌های یاد شده را بر عهده این نهاد گذاشت و عملاً به اختلاف نظرها در این زمینه پایان بخشید.

بنابراین، مسئولیت اداره حقوقی که زیرمجموعه اداره کل امور قضایی بود و از سوی وزیر دادگستری اداره می‌شد، از تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۲ که شورای عالی قضایی، به موجب ماده واحده لایحه قانونی اختیارات مربوط به شورای عالی قضایی (۱۳۵۹/۴/۲۲) تشکیل شد، بر عهده شورای عالی قضایی قرار گرفت. البته با تشکیل شورای عالی قضایی، کمیسیون استفتانات شورای عالی قضایی شکل گرفت که جایگاه اداره حقوقی را مبهم ساخت، در سال ۱۳۶۴ کمیسیون استفتانات شورای عالی قضایی منحل و کلیه وظایف مربوط به پاسخ‌دهی به استعلامات قضایی بار دیگر به عهده اداره حقوقی نهاد

۱ - آیین‌نامه کمیسیون‌های مشورتی اداره حقوقی، سال ۱۳۴۷

۲ - شورای عالی قضایی طی نامه شماره ۷۷۲۷ مورخ ۱۳۵۹/۹/۶، از شورای نگهبان نظر خواهی کرد: در رابطه با حدود و اختیارات وظایف وزیر دادگستری سؤال زیر مطرح است خواهشمند است با توجه به اصول ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۰، ۱۵۶، ۵۸، ۵۷ قانون اساسی درباره اداره کارگزینی، اداره خدمات، اداره امور مالی، اداره روزنامه رسمی، اداره پزشکی قانونی، اداره ثبت اسناد و املاک، اداره کل امور قضایی و نظایر این‌ها این سؤال مطرح است که آیا مسئولیت اداره آن‌ها با وزیر دادگستری است که عضو قوه مجریه است یا با شورای عالی قضایی که مستقل از قوه مجریه است؟ خواهشمند است با توجه به این جهات و ضرورت یکسان بودن وضع در مورد قوه مقننه و قضائیه در رابطه با مسائل اداری و مالی مربوط به هر قوه نظر آن شورای محترم را اعلام فرمایند - از طرف شورای عالی قضایی. پاسخ شورای عالی قضایی: بسمه تعالی - شورای عالی قضایی - عطف به نامه شماره ۷۷۲۷ مورخ ۵۹/۰۹/۰۶ موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح و به شرح زیر اظهار نظر گردید؛ وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه است و عهده‌دار مسئولیت این وظیفه و وظایف مشترک با هیئت‌وزیران می‌باشد و در تشکیلات دادگستری مانند اداره امور مالی، اداره امور قضایی، کارگزینی، خدمات و پزشکی قانونی وظیفه و مسئولیتی ندارد این امر به عهده‌ی شورای عالی قضایی است - شورای نگهبان.

شد. در این راستا بخشنامه‌هایی از سوی رئیس شورای عالی قضایی^۱ به کلیه مراجع قضایی و واحدهای اداری و سازمان‌های تابعه مبنی بر پاسخگویی اداره حقوقی به سؤالات و استعلامات کلیه دادگاه‌ها و دادسراهای عمومی و دادگاه‌های صلح مستقل و دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت صادر گردید.

در سال ۱۳۶۸ با بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابق اصل ۱۵۷، مسئولیت‌های قوه قضائیه به رئیس قوه قضائیه محول شد که عالی‌ترین مقام قوه محسوب و توسط مقام رهبری برای مدت ۵ سال تعیین می‌شود. متعاقباً در تاریخ ۱۳۷۱/۱۲/۹ به موجب ماده واحده «قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه» و سپس به موجب «قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه» مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ وظایف و اختیارات شورای عالی قضایی به‌طور کل به رئیس قوه قضائیه محول شد. در حال حاضر برابر ساختار تشکیلاتی قوه قضائیه، اداره کل امور حقوقی زیرمجموعه معاونت حقوقی قوه قضائیه محسوب می‌شود و تشکیلات مرکزی آن در پایتخت مستقر می‌باشد.

۲ - بنیاد اداره حقوقی

مطالعه بنیاد و چرایی اداره حقوقی محتاج این است که ابتدا مفهوم «اداره» به‌خوبی شناخته شود و اینکه چرا برای یک نهاد مشورتی لفظ اداره به کار برده شده است. سپس در مورد رسالت اصلی اداره حقوقی که پاسخ‌دهی به استعلامات قضایی و صدور نظریه‌های مشورتی بوده است، سخن خواهیم گفت و اینکه وظیفه تفسیر قوانین برعهده کیست؟ آیا اداره حقوقی در صدد تفسیر قوانین است یا رفع ابهام از

۱ - بخشنامه شماره ۴۳/۶۵/ب/ش-۱۳۶۵/۱۱/۱ به مراجع قضایی و واحدهای اداری و سازمان‌های تابعه؛ بنا به تصویب شورای عالی قضایی در جلسه شماره ۲۱۴ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۸ ابلاغ می‌شود: نظر به اینکه ملاحظه می‌شود بعضی از همکاران محترم قضایی و اداری با ارسال نامه‌ای یا پرونده‌ای به شورای عالی قضایی سؤالاتی طرح و طلب پاسخ یا ارشاد می‌نمایند لزوماً پیرو بخشنامه‌های قبلی اعلام می‌شود: مسئول بررسی و اعلام نظریه مشورتی درباره سؤال و استعلامات مراجع قضایی و اداری دادگستری است که در هر مورد پس از بررسی موضوع به‌وسیله اعضاء کمیسیون تخصصی آن اداره و کسب نظر مدیر کل قضایی و معاونت قضایی دادگستری، سؤالات را پاسخ می‌دهد. از سوی دیگر رفع اجمال و ابهام و اشکالاتی که در مرحله اجرای حکم پیش می‌آید با دادگاه صادرکننده حکم است. مراجع قضایی و اداری سازمان‌های وابسته دادگستری با توجه به مراتب فوق، چنانچه به مسائل حقوقی و فقهی قابل اعتنا یا مشکلات اساسی قضایی برخورد نموده پس از رجوع به سلسله‌مراتب قضایی و اداری حوزه کاری خود رفع مشکل از ایشان نشود و خود را نیازمند نظریه مشورتی یا ارشاد بدانند می‌توانند موضوع را به معاونت قضایی دادگستری جمهوری اسلامی ایران منعکس نمایند تا اقدام لازم صورت گیرد. توجه خواهند فرمود که در ارسال پرونده‌ها باید منحصرأ به موارد ضرورت و مطالبه پرونده اکتفا شود؛ و به مفاد بندهای دوم و سوم از بخشنامه شماره ۱۲/۶۳/ب/ش مورخ ۱۳۶۳/۲/۱۳ عمل گردد. موسوی اردبیلی - شورای عالی قضایی - همچنین بخشنامه ۹۲۸۷۶۱۴ - مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۳: «نظر به اینکه کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی منحل گردیده و پاسخ دادن به استعلامات قضایی از وظایف قانونی دادگستری جمهوری اسلامی ایران است. به این وسیله اعلام می‌دارد که در این زمینه مستقیماً با اداره حقوقی دادگستری مکاتبه فرمایید تا از اتلاف وقت و گردش غیرمستقیم کارها جلوگیری شود، ضمناً چون در حال حاضر کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی دارای اداره حقوقی هستند لذا باید مشکلات حقوقی و قضایی این سازمان‌ها در اداره حقوقی متبوع حل و فصل گردد و در موارد تردید و بقاء ابهام ادارات حقوقی مذکور از اداره حقوقی دادگستری استعلام نمایند - رئیس شورای عالی قضایی».

پرونده‌ای خاص؟ در همین راستا به مفهوم تفسیر و انواع آن خواهیم پرداخت.

اداره از نظر لغوی مصدر ثلاثی مزید از ریشه «دور» است، بعد از آنکه به باب افعال رفته و «واو» آن حذف شده، در آخر آن یک تاء زائد قرار گرفته است که به لفظ «ها» خوانده می‌شود و به این شکل در آمده است. نخستین معنی «دور» عبارت از «به گردش در آوردن» و «حرکت دادن» است (معین، ۱۳۶۰: ۱۵۷۴). معانی دیگری که برای واژه اداره توسط متخصصان علوم اداری ارائه شده است؛ «اداره عبارت است از مجموعه واحدهای سازمان یافته‌ای که وظیفه آن‌ها تأمین منافع و نیازمندی‌های عمومی است. معنای اعم اداره، مترادف مجموع نظام اداری در یک کشور است. در معنای خاص شامل عده‌ای از اشخاص اداری است یعنی سازمان‌های معینی که دارای شخصیت حقوقی هستند، مانند خود دولت که بزرگ‌ترین شخصیت حقوقی است یا شرکت‌های دولتی» (انصاری، ۱۳۷۴: ۴۰).

در راستای توجیه بنیاد اداره حقوقی از حیث کاربردی و سازمانی می‌توان چنین مقرر داشت که؛ اداره حقوقی از لحاظ کاربردی استعلامات را از قضات و مراجع رسمی دریافت می‌کند و اقدام به صدور نظریه مشورتی می‌نماید یا در رسالتی دیگر اقدام به دفاع از دعوی علیه دستگاه قضایی می‌نماید. این عملکرد اداره حقوقی زیرمجموعه مفهوم کاربردی اداره قرار می‌گیرد. از حیث سازمانی اداره حقوقی به اعضای کمیسیون‌ها و همچنین کارمندان و دیگر امکانات که اهداف اداره حقوقی را تحقق می‌بخشند گفته می‌شود. مثلاً کمیسیون حقوق جزای عمومی از یک رئیس و شش عضو برای صدور نظریه‌های مشورتی در این زمینه تشکیل می‌شود، ذیل مفهوم سازمانی اداره قرار می‌گیرد. با توجه به مفاهیم تعریف شده از اداره درمی‌یابیم که به کار بردن لفظ اداره برای این نهاد مشورتی دارای هر دو معنای کاربردی و سازمانی آن مجموعه بوده است. برای روشن شدن اعمال اداری و اعمال قضایی در بند (الف) به تفاوت این اعمال با یکدیگر می‌پردازیم.

الف - ماهیت صدور نظریه‌های مشورتی

صدور نظریه‌های مشورتی از جانب اداره حقوقی، نوعی عمل اداری است یا یک عمل قضایی به شمار می‌رود؟ بررسی مسئله و فرایند پاسخ‌دهی به استعلامات به همراه مشورتی و غیرالزامی بودن، ماهیت صدور نظریه را به یک اقدام اداری شبیه می‌کند، ولی از سوی دیگر بررسی موردی و خاص یک قضیه یا پرونده و تعیین تکلیف نسبت به آن (به‌ویژه با لحاظ اینکه متصدیان صدور دارای سابقه قضایی طولانی‌اند)، عمل صدور نظریه را به یک عمل قضایی نزدیک می‌کند. یا اینکه اساساً صدور نظریه را باید تابع ماهیتی جداگانه کرد؟ که در ادامه به هر یک از این رویکردها اشاره می‌شود.

استعلاماتی که از اداره حقوقی قوه قضائیه صورت می‌گیرد، مربوط به مورد خاص و معین است. نهایتاً تعارض یا ابهام چندین ماده قانونی با همدیگر که رفع این اشکال یک عمل قضایی است که از سوی قضات اداره حقوقی صورت می‌گیرد، درحالی که ماهیت امر اداری رفع تنازع و ابهام و اختلاف نیست. از دیگر دلایلی که می‌توان برای تقویت این نظر استفاده کرد، جدایی و تفکیک سازمان‌های

قضایی و اداری از همدیگر است که هر کدام بیانگر ماهیت کار خود می‌باشد. عامل عمل اداری، کارمندان اداری دولت‌اند که مشمول قانون استخدام کشوری یا قوانین خاص استخدامی دیگرند. قضات اداره حقوقی نیز هر چند از کارمندان دولتی محسوب می‌شوند و دارای قانون استخدامی خاص هستند، ولی از برخی از تضمینات ویژه برخوردارند؛ مانند مصونیت قضایی، استقلال رأی و عقیده. در راستای این تفکیک برخی چنین اظهار داشته‌اند: «برای تشخیص اعمال قضایی معیارهای متعددی به‌عنوان ماهوی ارائه شده است: مانند فصل دعوا، حل مسئله حقوقی، هدف حقوق، ساختار حقوقی و تحلیل رأی دادگاه» (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۷۹). همچنین نویسنده مذکور از حیث تشخیص معیار شکلی، چنین مقرر داشته: «معیار شکلی یا صوری، صرف‌نظر از ماهیت عمل، به دنبال حل مسئله با ملاک قرار دادن تشریفات و شکل وقوع اعمال است؛ قائلین به این نظریه معتقدند دولت دو وظیفه دارد: قانون‌گذاری و اجرای آن. اجرا با قوه اداری است. اگر اجرای قانون به‌عنوان یک عمل دولتی ضمن دادرسی و با آیین خاص انجام شود، عمل قضایی است و در غیر این صورت، اداری خواهد بود.» (۱۳۸۳: ۷۹)

افزون بر این «در عمل قضایی ویژگی‌هایی وجود دارد که موجب تمایز آن از عمل اداری است و این ویژگی‌ها که نشانگر نحوه جریان و روند عملکرد در یک عمل قضایی است به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- مربوط به مورد خاص و معین است ولی برخلاف عمل اداری، تکرارپذیر و مستمر نیست؛
- ۲- در صورت بروز اختلاف و تنازع بین دو طرف و با شکایت یکی از طرفین آغاز می‌شود؛
- ۳- جنبه شناسایی موضوع اختلاف و دعوا را دارد؛
- ۴- مبتنی بر تطبیق مورد خاص (موضوع دعوا) با حکم کلی (قانون) است؛
- ۵- با صدور رأی لازم‌الاجرا به سود یک طرف، پایان می‌پذیرد» (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۶۰).

با توجه به تفاوت‌های عمل اداری با عمل قضایی می‌توان گفت که اداره حقوقی در رسالت اصلی خود که تفسیر قوانین و صدور نظریه‌های مشورتی است، تابع مقررات اداری نیست چرا که صدور نظریه‌های مشورتی، عمل اداری محسوب نمی‌شود. همچنین از حیث اینکه اعضای کمیسیون‌های اداره حقوقی متشکل از قضات است، اطلاق وصف اداری به نظریه‌های صادره از آن مرجع و نتیجتاً اداری دانستن آن‌ها توجیهی ندارد، ولی باین حال نباید تصور کرد که اداره حقوقی اصلاً مشمول مقررات اداری نیست زیرا قوه قضائیه یک سازمان اداری است و اداره حقوقی که زیرمجموعه آن محسوب می‌شود برخی از فعالیت‌های آن مانند اعطای مرخصی، استخدام کارکنان اداری و... اعمال اداری محسوب می‌شود، به‌این ترتیب اداره حقوقی در اعمال اداری خود هر چند فعالیت اصلی او نباشد، از مقررات اداری تبعیت می‌کند؛ بنابراین عملکرد اداره حقوقی در راستای پاسخ‌دهی به استعلامات مراجع قضایی و رسمی از طریق تفسیر قوانین یک عمل صرفاً قضایی است چرا که توسط یک نهاد قضایی و در مقام تشخیص معنای صحیح قانون که به نوعی تشخیص حق از باطل است صورت می‌گیرد. این

در حالی است که عمل اداری متضمن اجرای حق است.

ب - مفهوم تفسیر

از آنجایی که اداره حقوقی در موارد سکوت، ابهام، اجمال، تعارض قوانین و مانند این‌ها اقدام به تفسیر قوانین می‌نماید، بنابراین ضروری است ابتدا به مفهوم لغوی تفسیر (بند اول) و سپس به مفهوم اصطلاحی تفسیر (بند دوم) و در نهایت به مفهوم حقوقی تفسیر (بند سوم) بپردازیم.

«تفسیر» واژه‌ای تازی و مصدر باب تفعیل است و از ریشه ((فَسَّرَ)) گرفته شده است که به معنای ظهور و کشف است. از دید واژه‌شناسی، تفسیر به معنای هویدا کردن، پدیدار ساختن، از امر پنهان پرده برداشتن، بیان معنای سخن، پیدا کردن، آشکار کردن، واکردن خبر پوشیده، بیان و آشکار ساختن چیزی، شرح و بیان، گزارش و گزاره است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۸۵۳). همچنین اساتید حقوق، تفسیر را بیان و کشف مقصود گوینده دانسته‌اند. بر این اساس می‌توان گفت تفسیر عمدتاً در دو معنا به کار رفته است: یکی تبیین معنای الفاظ و دیگری بیان قصد گوینده آن‌ها که با عنایت به هر دو معنا می‌توان گفت؛ منظور از تفسیر، تبیین معنای الفاظ است برای دستیابی به قصد گوینده. همچنین تفسیر قانون، به کشف مقصود قانون‌گذار از طریق به کار بردن قواعد و مقررات ادبی یا از طریق استفاده از سوابق تاریخی اطلاق گردیده است (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۳۶۵). معنی اصطلاحی تفسیر بیشتر در دو زمینه به کار گرفته می‌شود، یکی توسط مفسرین قرآن و دیگری توسط حقوقدانان (نوبخت، ۱۳۸۰: ۱)، در این بند آنچه مورد نظر ماست تفسیر در اصطلاح حقوقدانان است. برخی نویسندگان در تعریف تفسیر نوشته‌اند: «تفسیر یک قانون جست‌وجوی صحیح مفهوم آن است به نحوی که بتوان آن را به شکلی صحیحی در مورد هر حالت خاص اجرا کرد» (نوربها، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

در هر حال تمامی این تعاریف حول محور کشف اراده واقعی قانون‌گذار می‌چرخد، اداره حقوقی نیز به دنبال کشف معنای صحیح قانون است، یعنی آنچه مدنظر قانون‌گذار بوده و نیاز به کشف دارد؛ بنابراین تمامی سؤالات حقوقی در زمینه‌های گوناگون که از سوی قضات سراسر کشور، وزارتخانه‌ها، ادارات و مؤسسات دولتی یا عمومی مطرح می‌شود، به دلیل همین ابهام، اجمال و تعارض قوانین و مقررات است و به‌طور کلی به این دلیل است که مقام استعلام‌کننده نتوانسته از ظاهر کلمات قانون معنای صحیح آن را تشخیص دهد و چرخ اداره حقوقی برای انجام چنین رسالتی (به‌عنوان رسالت اصلی) می‌چرخد.

از نظر حقوقی تفسیر عبارت است از شرح و توضیح الفاظ و عبارات قانون و بیان معانی آن‌ها، تبیین مراد مقنن و تعیین قلمرو حاکمیت قانون بر مبنای قواعد، پیش‌فرض‌ها و راهنمای مخصوص. تفسیر یک تلاش ذهنی است که به‌منظور توضیح ابهامات، رفع تعارضات، جبران نقص و سکوت‌های قانون و شناسایی مرزهای حاکمیت آن به‌عمل می‌آید. نکته‌ای که در ارتباط با موضوع تفسیر در خصوص قانون اهمیت دارد این است که قانون محمل تفسیر است، در این ارتباط گفته شده عنصر حیاتی جایگاهی که

قانون‌گذاری مدرن به دست آورده، این است که عبارات مذکور در متن قانون، مرجع نهایی مفهوم آن می‌باشد. این عبارات به یاری اقدامات مقدماتی و یا دیگر شواهدی که بیانگر خواست قانون‌گذارند، تبیین می‌شوند، ولی قانون‌گذار هرگز نمی‌تواند به سادگی اعلام کند که مثلاً این متن نظریات وی را به شیوه مناسبی منعکس نمی‌کند و بنابراین به آن نباید توجه شود؛ چراکه متن قانون صرفاً شهادی بر دستور قانون‌گذار نیست، بلکه همین که به‌طور رسمی منتشر گردید، خود قانون‌گذار می‌شود پیامی که خود پیام آور است (بهادری جهرمی، ۱۳۸۸: ۷۰).

ج - انواع تفسیر

با توجه به اهمیت موضوع تفسیر، انواع آن را از منظر اعتبار ارزش و مرجع تفسیرکننده مورد بررسی قرار می‌دهیم. تفسیر به اعتبار ارزش به دو گزینه رسمی و غیررسمی (الزامی و غیرالزامی) قابل تقسیم است. تفسیر رسمی، تفسیری است که بر پایه منطق حقوق پیروی از آن برای اشخاص الزامی و اجباری است. به دیگر سخن، استناد به آن برای اثبات حق و تکلیف، امکان‌پذیر است؛ تفسیری که قانون‌گذار از قانون می‌کند، الزامی و استنادپذیر است؛ اما تفسیر غیررسمی، تفسیری است که الزام را به‌خودی‌خود ندارد، ولی امکان تفسیر رسمی را فراهم می‌سازد. تفسیری که حقوقدانان از قوانین ارائه می‌دهند، در نظام حقوقی ما استنادپذیر نیستند، ولی در بسیاری از موارد دادرسان و یا قانون‌گذار تحت تأثیر آن به تفسیر رسمی روی می‌آورند. به بیان دیگر، تفسیری که اشخاص و یا پاره‌ای از نهادها برحسب موقعیت خاص خود از قانون به عمل می‌آورند، تفسیر حقوقی خوانده می‌شود (منصورآبادی، ۱۳۹۴: ۱۶۱). «مثلاً در گذشته کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی به تفسیر قانون می‌پرداخت و در حال حاضر نیز اداره حقوقی قوه قضائیه تفسیری از قانون ارائه می‌دهد. چنین تفسیری، نه ماهیت قانونی داشته، زیرا توسط قانون‌گذار انجام نمی‌شود و نه ماهیت قضایی دارد، چون دادگاه‌ها و مراجع قضایی به چنین تفسیری دست نمی‌زنند، واقعیت آن است که نباید برای مراجع قضایی لازم‌الاتباع باشد؛ اما چنین تفسیری به طور عملی (و نه قانونی) توسط محاکم به کار گرفته می‌شود. علت این است که این نوع تفسیر غالباً توسط مراجع حکومتی صورت می‌گیرد و با توجه به سلسله‌مراتب حکومتی، به نظر می‌رسد، محاکم بدون تجزیه و تحلیل آن‌ها و احتمالاً حتی به‌صورت اکراه معنوی، آن‌ها را می‌پذیرند و آنچه حقیقت دارد این است که قضات محاکم بدون تعصب و به‌دور از هر نوع ملاحظاتی باید دقیقاً این نوع تفسیرهای مشورتی را بررسی کرده و همانند نظرات علمای حقوق اگر مطابق با نظر مقنن باشد اخذ، و گرنه طرد کنند.» (رنجبر، ۱۳۷۷: ۶۱) «هدف تفسیر حقوقی جهت‌دهی قانون برای دستیابی به اغراض اجتماعی آن به‌عنوان مهم‌ترین جزء در ساختار حقوقی کشور است. نتیجه‌ای که از تفسیر حقوقی به‌دست می‌آید، این است که در گام نخست، یاری‌رسان دادرس در مقام انجام وظایف قضایی است و در گامی فراتر، می‌تواند در راستای رفع خلأها و نارسایی‌های قانونی هدایت‌گر قانون‌گذار باشد» (منصورآبادی، ۱۳۹۴: ۱۶۱). این نوع تفسیر هرچند مطابق نظر مقنن باشد و در موارد سکوت و ابهامات قانونی راهکاری

ارائه دهد ولی صرفاً یک تفسیر مشورتی به حساب می‌آید که هیچ‌گونه الزامی را برای مراجع قضایی و اشخاص به همراه ندارد. همانند تفسیری که از سوی کمیسیون‌های مشورتی اداره حقوقی از قوانین به عمل می‌آید. از این منظر تفسیر به قانونی، قضایی و حقوقدانان (دکترین) تقسیم‌بندی می‌شود.

الف- تفسیر قانونی: منظور از تفسیر قانونی^۱ تفسیری است که خود قانون‌گذار یا مرجع و مقامی که از سوی او معرفی شده باشد، از قانون به عمل می‌آورد. در نظام حقوقی ما تفسیر شورای نگهبان از اصل‌های قانون اساسی بر پایه اصل نود و هشتم قانون یادشده و تفسیر مجلس شورای اسلامی از قانون عادی بر پایه اصل هفتادوسوم همان قانون و نیز تفسیرهای هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مقام ایجاد وحدت رویه قضایی بر پایه ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تفسیر قانونی به‌شمار می‌آیند. ولی تفسیری که اداره حقوقی از قوانین به عمل می‌آورد، تفسیر قانونی نبوده و الزام‌آور نیست، بلکه بیشتر به تفسیر علمای حقوقی شبیه است.

ب- تفسیر قضایی؛ منظور از تفسیر قضایی^۲ تفسیری است که بنا به اختیار حاصل از اصل هفتادوسوم قانون اساسی، دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین به عمل می‌آورند. «روشن است که این‌گونه تفسیر از سوی دادرس برای حل و فصل اختلاف و در مقام رسیدگی و برای تطبیق و اجرای قانون درباره موضوعی که نزد وی مطرح شده است، ارائه می‌گردد. ویژگی این تفسیر، در برابر تفسیر قانونی، این است که نخست محدود به همان موضوع خاص است، دوم اینکه تنها برای دو طرف پرونده الزام‌آور است و برای دیگر دادرسان یا مراجع و اشخاص و حتی برای خود دادرس در پرونده‌ای دیگر الزامی به بار نمی‌آورد» (منصورآبادی، ۱۳۹۴: ۱۶۲). بنابراین تفسیر قانون توسط اداره حقوقی هرچند امری رایج است و تأثیر فراوانی در شرح و تبیین قانون دارد، ولی تفسیر قضایی محسوب نمی‌شود، زیرا در محاکم و در مقام دادرسی صورت نمی‌گیرد.

پ- تفسیر حقوقدانان؛ تفاسیر حقوقدانان اغلب در مواضع دانشگاهی و یا آثار منتشرشده آورده می‌شوند و الزامی نیستند. ولی «برخلاف عقاید شخصی علمای حقوق که به شکل آزاد و در کلاس‌های درس یا نشریات حقوقی انعکاس می‌یابد، نگاهی گذرا به آرای محاکم، کتاب‌های حقوقی و استناد فراوان به نظریه‌های مشورتی، اهمیت تفسیر اداره حقوقی را نشان می‌دهد، خصوصاً آنکه این نوع تفسیر معمولاً به‌وسیله مجرب‌ترین و باسابقه‌ترین دادرسان به عمل می‌آید (جلال‌الدین، ۱۳۷۹: ۳۳). از آنجا که قضات و مجریان قوانین و افراد قانون‌گذار، جملگی آموخته‌های حقوقی خود را از آرای حقوقدانان اتخاذ کرده‌اند (که اغلب متکی به دلایل عقلی و تجربی هستند) به‌صورت درونی خود را ملزم به مراعات آرای حقوقدانان می‌دانند. آرای حقوقدانان، از منابع ارشادی «راهبردی» حقوق هستند و الزام‌آور نیستند، دکترین یا تفاسیر حقوقدانان، در ایران از جایگاه ممتازی برخوردار نیست، اما در

1 - Legislative interpretation

2 - Judicial interpretation

کشورهای توسعه یافته، این دیدگاه‌ها جهت دهنده و راهکار دهنده به دستگاه قضایی و تقنینی هستند. در راستای بهره‌گیری از تجارب قضایی و تخصص حقوقدانان برجسته، تعداد ۵ کمیسیون در اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه تشکیل شده است. مطابق ماده ۲ آیین‌نامه کارگروه‌های مشورتی اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ رئیس قوه قضائیه، کارگروه‌های مشورتی دائمی عبارت‌اند از: ۱- کارگروه قوانین مدنی؛ ۲- کارگروه آیین دادرسی مدنی؛ ۳- کارگروه قوانین جزایی؛ ۴- کارگروه آیین دادرسی کیفری؛ ۵- کارگروه قوانین عمومی و بین‌الملل. مطابق بند پ ماده ۶ همین آیین‌نامه، یکی از وظایف این کمیسیون‌ها، «مطالعه آرای دیوان عالی کشور و هیئت عمومی و طرز دادرسی محاکم و نحوه استنباط از قوانین و پیشنهاد تدابیر لازم برای تسریع دادرسی و جلوگیری از تضییع حق و تفسیر غلط قوانین» است. وظیفه کمیسیون قوانین جزایی، بنابر بند ج ماده ۷ این آیین‌نامه، «بررسی و اظهارنظر در امور مربوط به حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی است». در ماده ۹ آیین‌نامه یادشده آمده است که «هرگاه کارگروه‌های مشورتی در نتیجه بررسی استعلام قضایی یا مطالعه آرای محاکم یا به طریق دیگر، به ابهام یا اجمال قوانین برخورد نماید و یا از تفسیر غلط قوانین که موجب تضییع حق و یا کندی دادرسی است، مستحضر شوند، مراتب را اعلام می‌نمایند تا برای اقدام مقتضی تسلیم رئیس قوه قضائیه شود». افزون بر کمیسیون‌های مشورتی فوق، کمیسیون نظارت بر حسن اجرای قوانین پیشنهادهای خود را در زمینه وضع یا اصلاح قوانین و مقررات و بالا بردن سطح دانش و آگاهی مأمورین (قضایی و غیرقضایی) و یا اصلاح روش کار در دستگاه‌های مربوط به رئیس قوه قضائیه تسلیم می‌نماید (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۳۱).

۳- ساختار اداره حقوقی قوه قضائیه

یکی از بزرگ‌ترین گفتمان‌های حاکم بر سازمان‌ها و نهادهای اداری، وجود نهادی برای پاسخگویی به استعلامات قضایی و مراجع رسمی بوده است. هرچند اداره حقوقی قوه قضائیه نهادی مشورتی برای قضات و مراجع رسمی است؛ اما با بیان نظرات صریح خود درباره متن قوانین توانسته گام بزرگی در تحقق شفافیت قوانین بردارد. «چنان‌که یکی از واحدهای اداری و پرثمر دادگستری جمهوری اسلامی ایران و مرجع رفع اشکالات قضایی و بررسی لوایح و قوانین و تنظیم آیین‌نامه‌های ارجاع شده از طرف رئیس قوه قضائیه است. این اداره در جلوگیری از تفسیر غلط قوانین و سوءاستنباط از آن‌ها نقش مهمی دارد همچنین مشاور و راهنمای خوبی برای قضات سراسر کشور و سایر مراجع رسمی است» (شهری، ۱۳۶۴: ۱۷۵). مهم‌ترین وظایف اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین به شرح زیر است:

- ۱- دریافت استعلامات از مراجع رسمی و اظهارنظر در خصوص آن‌ها؛
- ۲- صدور نظریه‌های مشورتی توسط کمیسیون‌های مربوط؛
- ۳- جمع‌آوری، تنظیم و انتشار نظریه‌های مشورتی برای استفاده در محاکم و دادسراها؛
- ۴- دفاع از دعاوی علیه دستگاه قضایی؛

- ۵- ساماندهی امور بایگانی را کد با توجه به فن آوری روز؛
- ۶- انجام امور تفکیک، تنظیم و تعیین فهرست مشروح سوابق و پرونده‌هایی که از نظر قوه قضائیه زائد، قابل امحا یا تحویلی به سازمان اسناد ملی تشخیص داده شده‌اند؛
- ۷- همکاری و هماهنگی با سازمان اسناد ملی در زمینه‌های مورد لزوم (امحاء پرونده‌ها)؛
- ۸- انجام امور مربوط به ترجمه‌های رسمی و نظارت بر کار مترجمین رسمی دادگستری و دارالترجمه‌ها؛
- ۹- انجام سایر امور ارجاعی از جانب مقام مافوق.
- در ادامه به ادارات زیرمجموعه اداره حقوقی پرداخته سپس درباره چگونگی پاسخ‌دهی به استعلامات حقوقی (که مهم‌ترین رسالت اداره حقوقی است) اشاره می‌کنیم، آنگاه به نحوه فعالیت کمیسیون‌های مشورتی می‌پردازیم.

الف - واحدهای زیرمجموعه اداره حقوقی

اداره کل حقوقی مشتمل بر اداره استعلامات و امور کمیسیون‌ها، اداره اسناد و بایگانی را کد و اداره امور مترجمین بوده که به اختصار کارکرد و وظایف اداره‌های مذکور را بیان خواهیم کرد.

اداره استعلامات و امور کمیسیون‌ها با ارائه دیدگاه‌های کارشناسی به قضات و مراجع رسمی مشاوره می‌دهد. مشاوره‌های این اداره از طریق مستشاران و معاونین انجام و پس از اعمال نظر مدیرکل به عنوان نظریه مشورتی به مرجع استعلام کننده منعکس می‌شود. دفاع از دعوی مطروحه در محاکم علیه قوه قضائیه «در بخش دفاع در مقابل دعوی طرح شده علیه دستگاه قضایی، هرگونه اعلام دعوی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی از جمله دعوی ملکی، مطالبه دیه، مطالبه دین و جبران خسارت وارده انجام می‌شود. به این ترتیب که هرگونه دادخواست علیه قوه قضائیه پس از ارسال به اداره حقوقی از سوی مرجع مربوط، توسط مدیرکل به این اداره ارجاع شده و مستشار مربوط پس از تهیه لایحه و طی تشریفات اداری آن را به مرجع موردنظر اعاده می‌دهد. در صورت صدور رأی به نفع قوه قضائیه کار پایان یافته تلقی می‌شود تا زمانی که طرف دعوی درخواست تجدیدنظر ارائه دهد که موضوع مجدد به این اداره ارجاع و روند لایحه‌نویسی در این مرحله نیز همانند مرحله نخست انجام و برای مرجع مربوط ارسال می‌شود. بر پایه آمار موجود در سال ۱۳۹۵ به تعداد ۴۸ فقره دعوا علیه دستگاه قضایی، طی تنظیم لایحه دفاعیه، پاسخ داده شده که در این میان در برخی از جلسات رسیدگی نیز مستشار مربوط حضور داشته است». همچنین تنقیح و بررسی آرای محاکم با هدف به‌روز کردن قوانین و آشکارسازی نقایص آن‌ها از وظایف این اداره می‌باشد. تدوین مجموعه‌های قوانین تنقیح شده حقوقی و کیفری و نظریات در سال‌های گذشته نیز حاصل تلاش کارکنان این اداره است.

۱- مذکور در گزارش وزیر دادگستری به سران سه قوه و مقامات جمهوری اسلامی ایران در اجلاس بزرگداشت هفته قوه قضائیه، ۱۳۹۵، ص ۲۰.

اداره دیگر اداره اسناد و بایگانی را کد است؛ این اداره وظیفه مدیریت، نظارت و به سامان کردن وضعیت بایگانی پرونده‌های مختومه قضایی را دارد که برخی از آن‌ها قدمتی در حدود یک قرن دارند. همچنین نظارت بر تفکیک، تنظیم و تعیین فهرست مشروح پرونده‌هایی که از نظر قوه قضائیه زائد، قابل امحا یا تحویلی به سازمان اسناد ملی و کتابخانه ملی تشخیص داده شده‌اند. همکاری با سازمان اسناد ملی و کتابخانه ملی، بررسی و ارزشیابی سوابق، ارائه طرح‌های مناسب در مورد نحوه بایگانی و حفاظت فیزیکی پرونده‌های راکد، اجرای طرح یکنواخت کردن بایگانی پرونده‌های جاری و طرح شماره‌گذاری این پرونده‌ها به عهده این اداره است. علاوه بر وظایف مصوب همکاران، این اداره با رویکردی پژوهشی و تلاشی مستمر مبادرت به استخراج اطلاعات ارزشمند تاریخی از پرونده‌های مهم نموده تا در فرصت مناسب نسبت به انتشار آن اقدام شود.

و در نهایت اداره امور مترجمین قابل اشاره است که این اداره به‌طور کلی امور مربوط به نظارت، پذیرش، گزینش، کارآموزی، تحلیف، اعطای پروانه، تمدید پروانه، تأیید اسناد ترجمه مترجمان رسمی و همچنین اعطای جواز تأسیس دارالترجمه، ارجاع ترجمه‌های دولتی به مترجمین رسمی، اعزام مترجمین رسمی به محاکم را به عهده دارد. لازم به ذکر است که در جدیدترین تحول در ساختار این اداره با موافقت ریاست قوه قضائیه اداره امور مترجمین رسمی و اداره اسناد و بایگانی راکد، از اداره کل حقوقی منفک و اداره کل جدیدی تحت عنوان اداره کل فنی ایجاد شده است. این اداره تحت نظر معاونت حقوقی فعالیت خود را به تدریج آغاز می‌نماید.

ب - کمیسیون‌های اداره حقوقی

علاوه بر وظایفی که قانون بر عهده اداره حقوقی گذاشته است، برای انجام اموری که رئیس قوه قضائیه ارجاع می‌نماید، کارگروه‌های مشورتی در معیت اداره کل حقوقی تشکیل شده است. اداره حقوقی دارای پنج کارگروه مشورتی دائمی است که عبارت‌اند از ۱- کارگروه قوانین مدنی، ۲- کارگروه آیین دادرسی مدنی، ۳- کارگروه قوانین جزایی، ۴- کارگروه آیین دادرسی کیفری، ۵- کارگروه قوانین عمومی و بین‌الملل. همچنین در اجرای ماده ۲ آیین‌نامه کارگروه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه مصوب ۱۳۸۹/۲/۲۵ رئیس قوه قضائیه، پنج کمیسیون در خصوص موضوعات خاص در اداره حقوقی تشکیل شده است که عبارت‌اند از: کمیسیون خانواده، کمیسیون مواد مخدر و قاچاق، کمیسیون اجرای احکام مدنی، کمیسیون اراضی و منابع طبیعی و کمیسیون قوانین تجارت که این پنج کمیسیون با موضوعات خاص تشکیل شده و حوزه کاری کمیسیون‌های مذکور محدودتر و خاص‌تر است. علاوه بر این ده کمیسیون در حوزه آیین دادرسی کیفری، کمیسیون فوق‌العاده آیین دادرسی کیفری نیز اضافه شده است و با احتساب آن، در حال حاضر یازده کمیسیون در اداره کل حقوقی تشکیل شده است. هر کارگروه از یک رئیس و شش عضو تشکیل می‌شود، رئیس و اعضای کارگروه از سوی رئیس قوه قضائیه به مدت سه سال منصوب خواهند شد. حداقل یک نفر از اعضای کارگروه از قضات

اداره کل حقوقی (مدیر کل، معاونان و مستشاران) و یک نفر دیگر از قضات اداره کل تدوین لوایح و آیین‌نامه‌ها (مدیر کل، معاونان و مستشاران) و حداکثر دو نفر از میان قضات بازنشسته و بقیه از قضات دارای گروه نه به بالا انتخاب می‌شوند. در هر کار گروه یکی از معاونان یا مستشاران اداره کل حقوقی که به عضویت کار گروه مشورتی انتخاب می‌شود علاوه بر عضویت، سمت دبیری کار گروه را نیز خواهد داشت. مسئول اداره جلسات کار گروه و انجام امور آن رئیس هر کار گروه است و هر گاه در امر کار گروه‌ها و تشکیل آن اشکالی پیش آید، مراتب را به اداره کل حقوقی اطلاع می‌دهد.

«شیوه فعالیت کمیسیون‌ها مشابه است. استعلامات ارجاع شده به اداره کل حقوقی در دو سطح کارشناسی مقدماتی و کمیسیون مربوط مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از وصول استعلام، مدیر کل یا یکی از معاونان، آن را به یکی از مستشاران که معمولاً از قضات عالی‌رتبه و باتجربه‌اند، ارجاع می‌دهد. آن مستشار، ابتدا با بررسی سوابق مربوط، اگر سابقه اظهارنظری در آن زمینه به دست آورد و خود نیز موافق آن باشد، موافقت خود را با ارسال پاسخ بر اساس نظریه سابق‌الصدور اعلام می‌کند. چنانچه با آن نظریه موافق نباشد و یا در آن زمینه سابقه اظهارنظر به دست نیاید، با مطالعه دقیق و بررسی قوانین و مقررات حاکم بر موضوع، با استدلال و استناد به اصول و قواعد و قوانین و مقررات، نظر خود را کتباً در پرونده منعکس کرده، آن را - بر اساس تقسیم کار موجود - برای ملاحظه به نظر یکی از معاونان اداره کل حقوقی می‌رساند، معاون مربوط نیز به نوبه خود با بررسی و مطالعه و امعان نظر دقیق، نظریه کتبی خود را در پرونده اظهار و آن را برای کسب نظر مدیر کل حقوقی قوه قضائیه ارسال می‌کند. در این مرحله اگر مدیر کل با نظر مستشار و معاون موافق باشد، پاسخ (نظریه مشورتی) بر اساس آن صادر و برای مرجع استعلام‌کننده فرستاده می‌شود، اما اگر در این روند، اتفاق نظر حاصل نشود و یا به تشخیص مدیر کل، موضوع، اقتضای بررسی بیشتری داشته باشد، به یکی از کمیسیون‌های تخصصی اداره کل حقوقی - که از قضات برجسته از جمله قضات دیوان عالی کشور و یکی از قضات اداره کل حقوقی تشکیل می‌شود - ارجاع می‌گردد. سپس بر اساس نظریه‌ای که این کمیسیون به اتفاق یا اکثریت اظهار و اعلام می‌کند، پاسخ (نظریه مشورتی) تهیه و برای استعلام‌کننده ارسال می‌شود» (شاه‌حیدری‌پور و رفیعی، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

ج - استعلامات حقوقی

اداره کل حقوقی قوه قضائیه وظیفه پاسخگویی به استعلامات حقوقی قضات سراسر کشور اعم از قضات دادگاه‌های بخش، دادسرا، دادگاه‌های بدوی، دادگاه‌های تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را در تمامی سطوح بر عهده دارد. همچنین پاسخگویی به استعلامات تمامی مراجع دولتی، مراجع عمومی و رسمی را نیز عهده‌دار است، بنابراین از تمامی وزارتخانه‌ها و مراجع دولتی، مراجع عمومی مثل شهرداری، سازمان تأمین اجتماعی و موارد دیگر، استعلام وجود دارد. «پس از پیروزی انقلاب و حصول تغییرات بنیادی

در تمامی زمینه‌ها و من جمله در روابط حقوقی مردم و قوانین موضوعه و تصفیه کادر قضایی و بازنشسته شدن بسیاری از قضات سابق و اشتغال قضات جدید، حجم و تعداد استعلامات قضایی و حقوقی به نحو چشمگیری زیاد شده و احتیاج به نظریات مشورتی اداره حقوقی محسوس تر گردیده است. همچنان که بررسی آمار استعلامات قضایی تاکنون نشان‌دهنده این مهم است.^۱ این امر شدت احتیاج قضات و مراجعی را که با امور حقوقی سروکار دارند به نظرها و رهنمودهای اداره حقوقی ثابت می‌کند، شورای عالی قضایی با عنایت به این نیاز مقرر داشته که نظریات اداره حقوقی بعد از پیروزی انقلاب، در زمینه امور جزایی و مدنی چاپ و منتشر گردد و هیئتی برای آن مأمور شده بود» (شهری، ۱۳۶۴: ۱۷۵۹). از مطالعه استعلامات بعد از انقلاب تاکنون معلوم می‌شود که بیشتر استعلامات درباره رابطه دو قانون از دیدگاه ناسخ و منسوخ بودن یا خاص و عام بودن، به‌قرار زیر است؛

۱) آیا فلان قانون یا فلان ماده از قانون سابق درحال حاضر قابل استناد است و می‌توان به آن استناد نمود یا خیر؟ در این راستا چالش‌هایی که در زمان تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای شروع به جرم‌های خاص مبنی بر نسخ یا عدم نسخ^۲ آن‌ها مطرح شد و زمینه دخالت اداره حقوقی را فراهم نمود، قابل اشاره است. همچنین از اداره حقوقی راجع به «تعدد» سؤال شده است که آیا تبصره یک ماده ۱۳۴ ق.م.ا.مصوب سال ۱۳۹۲ ناسخ ماده ۱۳۱ همین قانون هست یا خیر و اگر نیست کاربرد تبصره یک در چه مواردی است.^۳ علاوه بر موارد فوق می‌توان به نظریه مشورتی ۷/۹۵۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۶ اداره حقوقی که در راستای پاسخ به این ابهام که آیا مقررات خاص تخفیف مجازات در قوانین جداگانه همانند ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری به موجب مقررات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسخ ضمنی شده است یا خیر اشاره نمود.

۲- در پاره‌ای از قوانین قبلی، استعلام‌کنندگان شبهه مخالفت آن را با شرع دارند، لذا در مورد قابل استناد و اجرا بودن یا نبودن آن‌ها سؤال مطرح می‌شود: مانند مسئله مرور زمان در امور حقوقی و مجازات

۱ - در زمینه قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در سال ۱۳۹۲، (۳۷۳ نظریه مشورتی) سال ۱۳۹۳، (۳۷۱ نظریه مشورتی) سال ۹۴، (۱۹۴ نظریه مشورتی) سال ۹۵، (۲۴۹ نظریه مشورتی) و تا پانزدهم خرداد ۱۳۹۶، (تعداد ۴۴ نظریه مشورتی) صادر گردیده است. در زمینه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ تا پانزدهم خرداد ۹۶، (تعداد ۱۸۹۷ نظریه مشورتی) نیز صادر گردیده است. به نقل از مرکز آمار اداره حقوقی قوه قضائیه.

۲- در این زمینه می‌توان به نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶۴، مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۶ اداره حقوقی در راستای اینکه آیا با تصویب ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ شروع به جرایم خاص از جمله شروع به جرم‌های مقرر در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری نسخ می‌شود یا خیر اشاره نمود.

۳- در راستای پاسخ به استعلام مذکور در نظریه شماره ۹۲-۱/۱۶۸-۸۰۳ مورخ ۹۲/۶/۱۶ چنین بیان کرده است: «تبصره یک ماده ۱۳۴ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ ناسخ ماده ۱۳۱ همین قانون نیست. اصولاً در مواد مختلف یک قانون موضوع ناسخ و منسوخ بودن قابل توجیه نیست و در هریک از دو مقررات (تبصره ۱ ماده ۱۳۴ و ماده ۱۳۱ ق.م.ا.) حکم خاصی وضع شده است، ماده ۱۳۱ راجع به تعدد معنوی که ناظر به فعل واحد است که عناوین متعدد جزایی دارد مثل فروش مال امانی که هم خیانت در امانت است و هم انتقال مال غیر، اما در تبصره ۱ ماده ۱۳۴ نتایج متعدد حاصله از فعل واحد مد نظر است مثل اینکه کسی با یک عبارت به دو نفر فحاشی کند».

عاقده و زوج در عقد ازدواج غیررسمی و نظایر آن‌ها. درخصوص مورد اخیرالذکر اداره حقوقی در نظریه شماره ۷/۶۰۵۶-۱۳۸۳/۸/۱۰-م طرح کرده بود: درمورد ازدواج غیررسمی (ازدواج ثبت نشده) که قبل از تصویب ماده ۶۴۵ ق.م.ا واقع شده باشد با توجه به نظریه شماره ۱۴۸۸-مورخ ۱۳۶۳/۵/۹ شورای نگهبان تعقیب و مجازات زوج غیر مشروع است. همچنین اداره حقوقی در نظریه شماره ۷/۴۵۶۲-۱۳۸۶/۷/۹ همین عقیده را مطرح کرده بود.^۱

۳) ابهام، اجمال و یا تناقض پاره‌ای از قوانین تازه مصوب شده، عدم آشنایی با اصطلاحات فقهی به کاررفته در قوانین و عدم توضیح آن‌ها از طرف مقنن و یا عدم اطلاع از اصول مسلم و مورد قبول حقوقی و قضایی از دیگر موارد مورد اعلام از اداره حقوقی است. در این موارد نظریه‌های متفاوتی از اداره حقوقی منتشر شده است.^۲ قضات اداره حقوقی با مواردی از این قبیل سروکار دارند و این مسائل، لزوم انجام اصلاحات در قوانین موضوعه و (تا حد امکان) بیان تعاریف جامع و مانع از اصطلاحات و عناوین به کاررفته در قوانین و رفع ابهامات و تفصیل و مجملات قانونی را به کمک اساتید فقه و حقوق، هر چه بیشتر آشکار می‌سازد و نیز شتاب بخشیدن به گام‌هایی که در این راه برداشته می‌شود را ضروری می‌نماید.

نتیجه‌گیری

اداره حقوقی قوه قضاییه متصدی پاسخ‌دهی به پرسش‌ها و استعلامات قضات است که می‌توان گفت در سال‌های اخیر در امر کیفر گزینی یا تعیین قضایی مجازات بسیار مؤثر بوده است، هر چند از ابتدای تأسیس تاکنون به موجب مقرره‌گذاری‌های مختلف این نهاد دستخوش تغییرات متعددی شد، ولی ارائه نظر مشورتی و پاسخ‌دهی به استعلامات قضایی و مراجع رسمی همچنان به عنوان رسالت اصلی آن محفوظ مانده است.

از نگاه آسیب‌شناسی مرتبط با علمی بودن نظریات مشورتی، این نظریات با آسیب‌هایی همراه است که در عمل نمی‌تواند به هدف خود در یکنواخت‌سازی تعیین کیفر نزدیک شود. از جمله اینکه عدم تخصص اداره و کثرت سؤالات سبب می‌شود گاه نظریه‌های اداره حقوقی مختصر، بدون استدلال و گاه اشتباه باشد. علاوه بر این، صدور نظریه‌های مشورتی متعارض با نظریه‌های قبلی و پاسخ‌های مردد به سؤالات و عدم رعایت روح قانون از دیگر آسیب‌های مرتبط با علمی بودن نظریه‌های مشورتی اداره

۱- نظریه شماره ۷/۴۵۶۲-۱۳۸۶/۷/۹-اداره حقوقی: «هر کس پس از لازم‌الاجرا شدن قانون، مرتکب بزه‌های مذکور در ماده ۶۴۵ ق.م.ا شود. با استناد به مقررات ماده مذکور قابل تعقیب و مجازات است. لیکن چنانچه بزه‌های مذکور قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون ارتکاب یافته باشند، با توجه به بند ۳ نظریه ۱۴۸۸-مورخ ۱۳۶۳/۵/۹ شورای نگهبان که مجازات عدم ثبت ازدواج را شرعی ندانسته غیرقابل تعقیب و مجازات می‌باشد.»

۲- به عنوان مثال در نظریه مشورتی ۷/۸۹۷۸-۱۳۸۱/۱۰/۱۱-آمده است: «اگرچه ماده ۴۲ ق.م.ا (ماده ۱۲۵ فعلی) مجازات شریک جرم را مجازات فاعل مستقل آن جرم اعلام داشته، اما درمورد دیه طبق ملاک مقررات مذکور در باب ششم همان قانون درخصوص اشتراک در جنایات؛ اعم از اینکه عمدی باشد یا شبه عمد یا خطا؛ مسئولیت پرداخت دیه به نسبت مساوی بر عهده مرتکبین می‌باشد.»

حقوقی است که باید از سوی قضات این نهاد مشورتی مطرح نظر قرار گیرد. علاوه بر آنچه از این حیث مطرح شد، وجود و حفظ ارتباط بین محافل علمی دانشگاهی و اداره حقوقی علاوه بر اینکه قضات این نهاد را از آخرین نظرات دکترین و کتب آنان مطلع می‌نماید، موجب می‌شود نظرات علمی تر در اذهان قضات اداره حقوقی شکل گیرد و ارشادات این نهاد به مسیر علمی و صحیح تر رهنمون گردد.

به دلیل علمی تر و هماهنگ شدن نظریه‌های اداره حقوقی با متون قانونی، بهتر است از متخصصین مربوط در هر کمیسیون استفاده شود؛ زیرا نحوه استدلال در هر یک از رشته‌های حقوقی متفاوت است، قضات و اساتید حقوق مدنی برای حل موضوع و یک دعوی حقوقی از مفاهیم و آموزه‌های حقوق خصوصی و اساتید حقوق عمومی از اصول حقوق عمومی بهره می‌برند، ولی برای به کارگیری اصول حاکم بر جرایم و مجازات به قاضی کیفری و اساتید حقوق کیفری نیاز است؛ بنابراین شایسته است به منظور تقویت کمیسیون‌های مشورتی اداره حقوقی از اساتید برجسته حقوق، نظرخواهی و بهره‌گیری نمود. به این ترتیب، فعالیت کمیسیون‌های مشورتی در کنار بهره‌گیری از اساتید خبره و مسلط، عملاً منجر به یکسان‌سازی استنباط از قوانین و مقررات و پیشگیری از بروز نظرات متعارض خواهد گردید.

برای مثمرتر واقع شدن نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی توجیه و نقد این نظریه‌ها از سوی حقوقدانان و کارشناسان و همچنین انتشار مجموعه نظریه‌های مشورتی، پیشنهاد می‌گردد. همچنین اداره حقوقی نباید خود را مکلف به پاسخ‌دهی تمامی استعلامات دریافتی بداند، بلکه ضروری است تکیه مقام استعلام کننده و مقام پاسخ‌دهنده بر رفع ابهام و اجمال از متون قانونی و چالشی‌ترین مسائل باشد تا حل پرونده‌های مطرح شده در مراجع قضایی.

فهرست منابع

- ۱- ارسطو (۱۳۸۵) اخلاق نیکو ماخوس، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ دوم.
- ۲- انصاری، ولی الله (۱۳۷۴) کلیات حقوق اداری، از لحاظ نظری، عملی و تطبیقی، تهران، انتشارات میزان، چاپ هفتم.
- ۳- بهادری جهرمی، محمد (۱۳۸۸) اصول و مبانی حاکم بر تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲) ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم.
- ۵- جمشیدی، علیرضا، رستمی غازانی، امید (۱۳۹۲) تمرکز امور قضایی در قوه قضائیه، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۳.
- ۶- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه، جلد ۵، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۷- رنجبر، حسین (۱۳۷۷) تفسیر قوانین کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۸- زرنگ، محمد (۱۳۸۱) تحول نظام قضایی ایران از مشروطه تا سقوط رضاشاه، جلد دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- ۹- سلطانی، مهدی (۱۳۹۱) حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول.
- ۱۰- شهری، غلام‌رضا (۱۳۶۴) سیری در دادگستری جمهوری اسلامی ایران، مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۱.
- ۱۱- شهری، غلام‌رضا، جهرمی، ستوده (۱۳۷۳) مجموعه نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱، جلد اول، تهران، نشر روزنامه رسمی.
- ۱۲- شاه‌حیدری‌پور، محمدعلی، رفیعی، احمد (۱۳۹۵) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ و نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول.
- ۱۳- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۷۹) روش تفسیر قوانین کیفری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳) اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، تهران، انتشارات میزان، چاپ ششم.
- ۱۵- معین، محمد (۱۳۷۸) فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و ششم.
- ۱۶- منصورآبادی، عباس (۱۳۹۴) حقوق کیفری عمومی (۱)، جلد نخست، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- ۱۷- مذاکرات مجلس، دوره ششم تقنینیه، جلد اول.

- ۱۸- مجموعه قوانین سال ۱۳۱۵، انتشارات روزنامه رسمی.
- ۱۹- مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره دهم قانون گذاری (۱۳۷۷) چاپ اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس.
- ۲۰- مجموعه قوانین و مصوبات دوره ششم تقنینیه، چاپخانه مجلس.
- ۲۱- نوربها، رضا (۱۳۸۷) زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و چهارم.
- ۲۲- نوبخت، حسین (۱۳۸۰) شیوه‌های تفسیر قوانین مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.